

بررسی پدیده «بلوغ زودرس»

سیدکاظم علوی لنگرودی

عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد

چکیده

بزهکاری یک واقعیت انکارناپذیر در زندگی امروز ماست و درصدی از نوجوانان به دلایل مختلف به آن مبتلا می‌شوند. بلوغ زودرس جنسی، یکی از عوامل بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان است که خانواده بیشترین نقش را در ایجاد و نیز جلوگیری از بروز آن می‌تواند ایفا کند. گسترش و تعمیق فرهنگ تعلیم و تربیت در عرصه خانواده‌ها، آموزش والدین، به کار بردن اصول علمی تربیت جنسی، برخورد صحیح والدین در محیط منزل و ایجاد فضای معنوی در محیط خانواده و جامعه می‌تواند نقش بسیار مؤثری در جلوگیری از بروز این پدیده داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری، نوجوان، بلوغ، تربیت، انحرافات جنسی.

مقدمه

یکی از غرایز نیرومند و حیاتی که خداوند متعال در وجود انسان قرار داده غریزه جنسی است که هدف خالق متعال از آفرینش آن، بقای نسل در حیات بشری است و اگر نبود، امکان تداوم حیات نیز وجود نداشت. بسیاری از اعمال و رفتارها و حتی بیماریهای روانی و جسمانی انسان، از این غریزه مایه می‌گیرد. این غریزه اگر به طریقی درست و عاقلانه پرورش یابد، مسلماً شادی و آسایش را برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد و اگر درپرورش این غریزه راه افراط و تفریط در پیش گرفته شود یعنی سرکوب شود و یا بیش از حد به آن پرداخته شود، هزاران ضایعه روانی و جسمانی به دنبال داشته حیات



فرد و جامعه را به مخاطره خواهد افکند.

هرچند که غریزه جنسی در زمان بلوغ بیدار می شود، لیکن این بدان معنی نیست که فرد در زمان کودکی و طفولیت، این غریزه را نداشته باشد. این غریزه از بدو تولد انسان به صورت «بالقوه» در او وجود دارد و حتی به صورت های گوناگون هم بروز می کند. به عنوان مثال، کودک از بوسه های دیگران و خصوصاً والدین لذت می برد.

از آنجا که در علم روانشناسی امروز، بلوغ زودرس جنسی، نوعی «بزهکاری» قلمداد می شود، لازم است به اختصار در این مورد توضیح داده شود. در تعریف بزهکاری آمده است که: «بین جنایتکاری و بزهکاری از لحاظ مفهوم تفاوتی نیست و فقط تفاوت در این است که بزهکاری به ارتکاب جرمهایی اطلاق می گردد که کمتر از سن معینی به وقوع می پیوندد که تعیین میزان این سن به دست قانون است و برحسب جوامع مختلف فرق می کند»^(۱). رایین می گوید: بزهکاری آن چیزی است که قانون می گوید. اصولاً بزهکاری یک مفهوم نسبی است و برحسب شرایط اجتماعی، اقلیمی، مردم شناختی و ارزشهای حاکم بر جامعه فرق می کند. چه بسیار مفاهیمی که برای یک اجتماع نوعی ارزش محسوب می شود و حال آنکه مفهوم در جوامع دیگر نوعی «بزه» و ضدارزش محسوب می گردد. به عنوان مثال، در سبیری فرقه ای به نام «چوکچها» وجود دارند که در میان آنها مسأله همجنس خواهی دارای ارزش است، لیکن همین امر در جوامع اسلامی نوعی بزه و جرم محسوب می شود.

با توجه به نسبی بودن مفهوم بزهکاری می توانیم بگوییم که: «بزه» یا جرم عبارت است از عملی که برخلاف موازین و معیارها و ارزشهای اجتماعی باشد و «بزهکار» کسی است که این موازین و معیارها را بشکند. تعریف فوق می تواند جامع تر باشد. از آنجا که خود فرد در ابتلا به بلوغ زودرس جنسی نقش چندانی ندارد و این عوامل و شرایط نامساعد خانوادگی و اجتماعی هستند که آن را به وجود می آورند، می توان بزهکاری تلقی نکرد. لیکن از جهت دیگر که فرد مبتلا به آن مسلماً برای ارضای خود دست به اعمالی انحرافی می زند، می توان گفت که بلوغ زودرس جنسی نوعی بزهکاری است.



اهمیت مسأله

کودکان و نوجوانان امروز، سرمایه‌های فردا و فرداسازان جامعه هستند و تربیت آنها از مهمترین مسائلی است که همه جوامع و مکاتب بر روی آن اتفاق نظر دارند و حتی یکی از ملاکهای پیشرفته بودن جوامع را بالا بودن میزان سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش نسبت به سرمایه‌گذاریهای نظامی قلمداد می‌نمایند. آموزش و پرورش هم رسالت اساسی‌اش، تربیت نسلها براساس نیازهای فردی و اجتماعی است. کودک امروز اگر بخواهد درست تربیت شود و به مسائل درسی و کلاسی‌اش توجه داشته باشد از مهمترین لوازم مورد نیازش، داشتن روحیه‌ای شاداب، روان و جسمی سالم و پاک است، تا بتواند بدون دغدغه خاطر و ناراحتی‌های روحی و جسمی تحت هدایت و تربیت قرار گیرد. بدیهی است که اگر سلامت روانی، جسمانی کودک به خاطر وجود هر عامل تخریب‌کننده‌ای مثل مسائل خانوادگی، مسائل اجتماعی، فقر اقتصادی، امراض و ناراحتی‌های فردی و... به خطر افتد، دیگر نمی‌توان از او انتظار داشت که در تربیت، گام به گام، همراه نظام آموزشی و تربیتی جلو بیاید. ... و این خود یک فاجعه است، فاجعه‌ای که جبران آن برای جامعه مشکل به نظر می‌رسد. مگر نه این است که موضوع تعلیم و تربیت در هر نظام آموزشی، همین کودکان و نوجوانان هستند؟ مگر نه این است که ما برای نظام آموزش و پرورش سه پایه و ستون: دانش‌آموز، معلم و درس را مطرح می‌کنیم؟ و مگر نه اینکه فلسفه وجودی معلم و درس، دانش‌آموز است؟ ...

اصولاً همه سرمایه‌گذاری‌ها در آموزش و پرورش از ساختن ابنیه آموزش گرفته تا تربیت معلمین و دبیران و... برای این است که انسان تربیت شود و این کودک به مقصد رشد و کمال برسد. از این رو، می‌توان گفت بزرگترین ضربه‌ای که می‌تواند بر نظام آموزش وارد آید وجود عامل یا عواملی است که در تربیت درست این عزیزان خدشه وارد کند؛ چرا که اگر ضربه‌ای وارد شود تمام آن سرمایه‌ها بر باد می‌رود. از میان عوامل بسیاری که می‌توانند در ایجاد این ضربه مؤثر باشند، بلوغ زودرس جنسی را به عنوان یک عامل می‌توان مورد بررسی قرار داد.

خداوند متعال در چنین مقدر فرموده که غریزه جنسی پسران در سنین بلوغ یعنی حدود ۱۵ سالگی شکوفا شود و این زمانی است که فرد تقریباً از نظر اجتماعی و



اقتصادی می‌تواند وارد مرحله خودکفایی شود و روی پای خود بایستد و به قول معروف گلیم خود را از آب بکشد. در این زمان که سایر شرایط هم همراهی می‌کنند، میل و گرایش به سوی جنس مخالف، خود آغاز حیاتی است برای فرد و اصولاً لازمه تکامل اوست. لیکن گاهی اوقات شرایط و عواملی دست به دست هم می‌دهند و در زمانی زودتر، در حالی که فرد اصلاً آمادگی تشکیل زندگی جداگانه‌ای را ندارد و در بسیاری جهات وابسته به خانواده است دریای شهوتش را طوفانی می‌کنند و مسائل و مشکلات بیشماری را برایش ایجاد می‌نمایند.

این بلوغ زودرس جنسی راحت و آسایش را از کودک سلب نموده او را از نظر روانی دچار اغتشاش و ناآرامی می‌کند. این کودک بی‌گناه برای خاموش کردن آتشی که در وجودش شعله کشیده دست به هر کاری می‌زند، به این امید که تسکین یابد ولی بیشتر آشفته و ناراحت می‌گردد و این اعمال نیز آنچنان که به تجربه ثابت شده است اثرات عمیقی بر روی مغز و فکر و قدرت بدنی او می‌گذارد و زیانها و خطرانی چون فساد اخلاقی، عدم تعهد به انجام امور، بی‌بند و باری‌ها، بی‌نشانی نسل، پیدا شدن کودکان ناخواسته، ولگردیها و در مواردی انقطاع نسل را برای کودک به دنبال دارد و اینها همه از عوارض این بلوغ زودرس است. علاوه بر این عوارض، بیماریهای جسمی، عصبی و روانی، شکستگی، پیری زودرس، سستی و رکود، بی‌علاقگی به امور، تن دادن به اهداف پست و کوچک و حتی مرگهای غیرعادی و سریع را نیز در پی دارد.

در هر صورت این مسأله به عنوان یکی از عواملی که می‌تواند سلامت روانی و جسمی کودک و در نتیجه سلامت آموزش و پرورش یک جامعه را دچار اختلال نماید، مطرح است و باید علل و عوامل آن را بررسی کرد و روشهایی را برای حل آن یا کاهش اثرات مخرب آن در جامعه ارائه نمود.

علت‌شناسی بلوغ زودرس جنسی

گفته شد که بلوغ زودرس جنسی و عواقب ناشی از آن در محدوده بزهکاریها قرار می‌گیرند. در قرن نوزدهم میلادی در مورد بزهکاری و علت آن دو مفهوم در مقابل هم قرار گرفته بودند: اول این مفهوم که بزهکاری حاصل یک عامل ارثی است و منشأ بدنی



داشته و مربوط است به نارسایی‌ها یا اختلالاتی که فرد از آغاز به همراه خود دارد و براین اساس، مفهوم «جانی بالفطره» پایه‌گذاری شده است. در مقابل این مفهوم، گروهی نیز معتقد بودند که عوامل اجتماعی در ایجاد بزهکاری بسیار مؤثر هستند. در حقیقت شعار این گروه را می‌توان در این جمله معروف «ویکتور هوگو» خلاصه کرد که: «هر مدرسه که باز می‌شود در حکم زندانی است که بسته می‌شود».

با بررسی و طرح چگونگی تحولات روانی، راحت‌تر می‌توانیم ریشه و منشأ کل بزهکاریها را بررسی نماییم. دانشمندان پرشماری در زمینه تحول روانی مطالعه کرده‌اند، نظیر پیاژه، برونر، فروید و... که در اینجا به عنوان نمونه به بررسی مسأله با توجه به طرح پیاژه می‌پردازیم. در زمینه دگرگونی و تحول طبیعی انسان در طول رشد، از نظر پیاژه، سازمان روانی انسان در سه دوره بزرگ که به یکدیگر متصل هستند و ارتباط طولی دارند، دچار تغییرات اساسی می‌شود:

۱- دوره حسی - حرکتی: در این دوره رفتار فرد حاکی از نوعی «نازپروری» است. (تولد تا دو سالگی) یعنی کودک هرچه از طرف محیط اطرافیان به او برسد و آمرانه و درست هم باشد از آنها تبعیت نمی‌کند. حرف بزرگترها را اصلاً نمی‌فهمد و به آن بها نمی‌دهد. انگیزه حرکت و رفتارش هم «لذت» است یعنی چیزی را که برای طبعش لذتبخش باشد می‌پذیرد و بقیه را رد می‌کند هرچند به سود او نباشد.

۲- دوره استقرار عملیات منطقی عینی: در این دوره، کودک کم کم با محیط انس می‌گیرد و متوجه وقایعی می‌شود و به حرف بزرگترها توجه می‌کند. به عبارت دیگر، «دیگرپروری» بر او حاکم شده و به یک واقع‌بینی اخلاقی می‌رسد. انگیزه حرکت و رفتار او در این دوره، تبعیت از واقعیت است. چون به هر حال، در برخورد با محیط، دریافته که پیروی از حرف بزرگترها به صلاح اوست و بدون آن نمی‌تواند زندگی آرامش‌بخشی را داشته باشد. او اراده و امر بزرگسالان را خارج از خود می‌داند و در عین حال، آنها را دوست می‌دارد و گاه پدر و مادر به منزله دارنده عقل و تدبیر و قدرت برای او ترسیم می‌شوند و همه دستورات آنها برای او جنبه الزامی به خود می‌گیرد.

۳- دوره عملیات منطقی عینی: در این دوره کودک بر پای خودش می‌ایستد و دستورات و اصولی را که بین او و سایرین هماهنگ شده و مورد قبول همه است



می پذیرد. برخوردها و رفتارش جنبه متقابل می گیرند؛ یعنی احساس می کند برای اینکه اجتماع به او احترام بگذارد، او هم باید به آن احترام بگذارد. به عبارت دیگر، اخلاق «خودپیروی» براساس تقابل بر او حاکم شده و به سمت اجتماعی شدن رفتار دگرگون می شود. انگیزه حرکت و رفتار کودک در این دوره شناخت و درک ارزشهاست. تمام این تحولات برای این است که فرد بتواند در هر دوره به نحوی با محیط سازگاری^(۱) نماید. در این مراحل که برشمردیم، در چند مقطع «قطع سازش» رخ می دهد: یکی هنگام تولد (خروج از دنیای کوچک رحم و ورود به دنیای بزرگ) و دیگری هنگام دوسالگی، یکی حدود ۶-۷ سالگی و سرانجام در ۱۱ سالگی. در هریک از این سنین، کودک می خواهد از یک مرحله وارد مرحله جدیدی شود و این تحول ناگهانی تعادل روانی فرد را به هم می زند و اگر شرایط محیطی مساعد نباشد و به عبارتی، عوامل تربیتی درست و حساب شده با فرد برخورد نکنند فرد نمی تواند خود را با محیط سازگار کند و در نتیجه، قطع سازش رخ می دهد که منتهی به انحراف کودک می گردد. فرد در شرایط قطع سازش دارای زمینه های انحراف بسیار است و اگر عوامل محیطی و تربیتی نقش خود را با توجه به نیازهای مرحله ای رشد کودک ایفا نکنند، رشد کودک به طور طبیعی صورت نگرفته و حتماً دچار انحراف خواهد شد.



اهمیت نقش محیط در ایجاد بزهکاریها

چرا بعضی از افراد دچار بزهکاری می شوند؟ آیا دلیل ارثی دارد؟ آیا ارتباط با تیپ بدنی دارد؟ خیر، این بزهکاریها حتی به کم هوشی هم ارتباط ندارند هرچند که اکثر بزهکاران کم هوش اند. همانگونه که قبلاً هم گفته شد گروهی بزهکاریها را ارثی دانسته و آن را به نوعی ترکیب بدکرموزوم های جنسی ارتباط می دهند مثلاً فرمول:

$$XX + XXY \leftarrow XYY$$

که در آن، خصوصیات مردانگی فرد شدیدتر است. امروزه ثابت شده است که بیشترین علت بزهکاریها، از جمله بلوغ زودرس جنسی و عواقب ناشی از آن، محیط و طرز برخورد با فرد است و این گونه امور یادگرفتنی و اکتسابی هستند نه ژنتیکی. به طور

خاص، در مورد بلوغ زودرس جنسی و عواقب ناشی از آن، می توان گفت که چون گزینه جنسی از بدو تولد به صورت بالقوه در فرد نهفته است، در هر مقطعی از سنین کودکی تا نوجوانی پرسشها و مسائلی در این زمینه برای کودک طرح می شود که نحوه برخورد ناشیانه و متناقض والدین با کودک در پاسخ به این سؤالات جنسی باعث می شود که دچار بلوغ زودرس جنسی گردد. مثلاً ایراد جوابهایی مثل: «این فضولها به تو نیامده»، «این حرفها را کی به تو یاد داده؟» و احیاناً تنبیه کودک.

محیط و مخصوصاً محیط خانواده، نحوه برخورد پدر و مادر و چگونگی نگرش و برخورد آنها با مسائل زناشویی و آمیزشی، دوستان کودک، محیط و جو مدرسه، نوع نگرش جامعه نسبت به مسائل جنسی و ارزشهای موجود در جامعه در برخورد با آن از عمدهترین عوامل مؤثر که در بلوغ زودرس جنسی هستند. کودک در سنین ۲ تا ۴ سالگی از این که توسط والدین و دیگران بوسیده شود و مورد نوازش قرار گیرد لذت می برد و اگر این نوازش و بوسیدن از حد «اعتدال» خارج شود در زمینه سازی این پدیده مؤثر است.

از سنین ۳ الی ۴ سالگی به بعد، سؤالاتی از این قبیل که «مامان، مرا از کجا آورده ای؟»، «بچه چگونه به دنیا می آید؟» و... از روی کنجکاوی طرح می کند که لازم است براساس شناخت مصالح سنی کودک پاسخ مناسب به آنها داده شود، نه اینکه مورد سرزنش و تنبیه قرار گیرد و یا جواب سربالا تحویل بگیرد. اصولاً کودکان در سنین قبل از نوجوانی به حرکات و رفتارهای پدر و مادر کنجکاوی بیش از حدی به خرج می دهند و عجیب اینکه بسیار هم ماهرانه امور را دنبال می کنند؛ یعنی به گونه ای عمل می کنند که والدین تصور کنند که خیلی سر به زیرند. لیکن با مهارت، باصطلاح، ته و توی تمام قضایا را در می آورند. بلوغ زودرس جنسی عواقب خطرناکی از خودارضایی تا دیگرآزاری دارد که هریک از این انحرافات جنسی اثرات سوء عمیق و جبران ناپذیری برروح و جسم این اطفال بی گناه گذاشته آینده آنها را تهدید می کند. با توجه به اینکه از دیدگاه اسلامی، مسأله حیا و عفت و پاکدامنی یک ارزش تلقی می شود و در جامعه ما هم انحراف و عدول از این ارزش و ابتلا به انحرافات جنسی نوعی جرم و بزهکاری تلقی می گردد، علل بلوغ زودرس جنسی و عواقب ناشی از آن را از دیدگاه اسلامی مورد



بررسی قرار می‌دهیم. البته این علل نمی‌تواند شامل کل علت‌های ممکن باشد. عواملی که در دوران طفولیت و کودکی می‌تواند زمینه‌ساز و علت بلوغ زودرس جنسی واقع شوند:

۱- حضور طفل یا کودکی که بیدار است در اتاق خواب والدین و عدم رعایت حال آن کودک.

۲- نیمه‌عریان یا عریان بودن پدر و مادر در خانه و عشوهِ‌گری و شوخی‌های زناشویی در حضور فرزندان.

۳- نوازش‌های افراطی بعضی اندام‌های فرزند در کودکی

۴- شوخی‌های دستی بچه‌ها با یکدیگر به طور افراطی، مثل قلقلک دادن و...

۵- تماشای فیلم و عکس تحریک‌آمیز جنسی و خواندن رمان‌های عاشقانه.

۶- افراط در نگاه و تماشای افراطی دختر و پسر که پیامبر می‌فرماید: النظر سهم من سهام الشیطان، «نگاه کردن تیری از تیرهای شیطانی شده است».

۷- رفتن پسر با مادر و دختر با پدر به حمام پس از ۴ سالگی.

۸- بیدار ماندن در رختخواب. یعنی اینکه بچه زودتر از خوابش به رختخواب برود و دیرتر از بیداری از رختخواب خارج شود.

۹- افراط کردن مادر در آرایش ظاهر در منزل پیش روی کودک.

۱۰- دوست بد که فرد را خیلی سریع به انحرافات جنسی می‌کشاند.

۱۱- خوابیدن خواهران و برادران در یک رختخواب بعد از سن تمیز.

در این مورد، از موارد فوق چند حدیث به عنوان شاهد بر مطلب می‌آوریم:

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «وقتی بچه‌ها به سن ۷ سالگی رسیدند رختخواب آنها را جدا کنید». امام صادق (ع) می‌فرماید: «زنها و بچه‌های ده ساله باید رختخوابشان جدا

باشد»^(۱)

۱۲- تنهایی و انزوای کودک و رها کردن او به حال خود و عدم نظارت دقیق بر اعمال و رفتار او.

۱۳- بیکاری فرد و نداشتن برنامه صحیح در اوقات مختلف روز.



- ۱۴- اختلاط دختر و پسر با یکدیگر پس از شش تا هفت سالگی که باعث بیداری غریزه جنسی و درک سریع مسائل جنسی و بلوغ زودرس جنسی می‌شود (چون از سن ۶-۷ سالگی، کودک به دنیای متفاوت مرد و زن پی می‌برد).
- ۱۵- جو و محیط آلوده به فساد جنسی که در ایجاد این مسأله نقش اساسی دارد (مثلاً محیط مدرسه اگر چنین باشد).
- ۱۶- نوازش و بوسیدن بیش از حد دختر توسط پدر و پسر توسط مادر بعد از دوازده سالگی. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مرد نباید دختر بچه شش ساله‌اش را ببوسد و زن هم نباید پسر ۷ ساله را ببوسد».^(۱)
- ۱۷- کنترل دانش‌آموزان در مدرسه خصوصاً در ساعات ورزش که امکان بروز زمینه‌های رشد اینگونه مسائل بیشتر است.
- ۱۸- عدم رسیدگی والدین به کودک از نظر اقتصادی و امنیت فکری و روحی. دکتر علی قائمی در جمع‌بندی این عوامل به مسائل دیگری نظیر بعضی از بیماری‌های گوارشی، نقش پدیده رشد، لمس و تحریک و نیز تقلید و کنجکاوی اشاره می‌کند.^(۲)

راه‌حل‌های مسأله

۱- یکی از راه‌هایی که برای این مسأله جنسی توسط برخی از دانشمندان مطرح شده، مسأله آزادی جنسی است. این راه‌حل در بسیاری از کشورها و جوامع غربی اجرا شده و در طی چند دهه گذشته به تجربه ثابت گردیده که آزادی جنسی نه تنها راه حل مشکل جنسی جوانان و نوجوانان و احساس امنیت آنها نیست، بلکه خود باعث ایجاد مشکلات جنسی بسیار و بحرانهای عمیق فرهنگی و اجتماعی می‌گردد.

اوضاع رقت‌بار اینگونه جوامع و آمار قتل‌ها و خودکشی‌ها و تجاوزاتی که در این زمینه شکل می‌گیرد، آمار بسیار بالای بچه‌های سرراهی که هرروزه بایستی توسط ماشینهای زیاله جمع‌آوری شوند، افزایش آمار طلاق و پاره شدن شیرازه خانواده‌ها و حتی قرار گرفتن کودکان در معرض انواع تجاوز، رخت بر بستن عاطفه انسانی و محبت از

۱- همان، ص ۱۷۰.

۲- ر.ک.: قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودک، ص ۲۴۶.



میان این جوامع ... و مسائل بسیار دیگر، همه و همه شاهدهی براین مدعاست. امروزه در اثر این آزادی بی‌رویه، آنچنان مشکلات غامضی برای غربی‌ها فراهم شده که به جرأت می‌توان گفت که این مشکلات اگر قابل حل نباشند حداقل سالیان درازی برای حل آن باید وقت و سرمایه صرف شود. این راه‌حل از دیدگاه اسلام، عقل و منطق انسانی مطرود، و با شخصیت والای انسان سازگاری ندارد.

۲- راه حل اساسی و اصولی از نظر اسلام برای مسأله بلوغ زودرس جنسی همان روش کلی اسلام در اهمیت دادن به پیشگیری نسبت به درمان در مورد سایر مشکلات و مسائل اجتماعی و فردی است. به این معنی که ما باید بکوشیم تا غنائی فرهنگی را در جامعه بالا ببریم و خانواده‌ها مخصوصاً جوانان را که والدین آینده هستند نسبت به مسائل تربیتی اسلام آگاه سازیم. مسلماً وقتی یک پدر و مادر مسلمان نسبت به عوامل ایجادکننده بلوغ زودرس جنسی شناخت کافی داشته باشند و کلیه مسائل را در این رابطه از بدو تولد کودک و حتی قبل از آن، تا زمان ازدواج به خوبی و با برنامه رعایت نمایند و به کلیه نیازهای کودک خود در مراحل مختلف رشد آگاهی داشته و در جهت برآوردن نیازها با تمام توان تلاش کنند، وقتی مسئولین تربیتی با بهره‌گیری از نظریات تربیتی اسلامی، جو جامعه و خصوصاً مدارس را به صورت محیطی سالم و فرح‌بخش برای دانش‌آموزان تبدیل نمایند، دیگر با مسأله‌ای به نام بلوغ زودرس جنسی و عواقب خطرناک آن مواجه نخواهیم بود و یا حداقل منحنی این مشکل سیر نزولی خواهد داشت.

حال با توجه به این واقعیت که جامعه ما فعلاً به این مشکل مبتلا است و در مدارس نوعاً با اینگونه مسائل مواجه هستیم، آیا راه‌حلی برای درمان این بیماری و حل این مشکل وجود دارد؟ باید گفت که در بین تجربیات موجود و آنچه که در مدارس اعمال می‌شود چند راه به چشم می‌خورد:

راه اول: بی‌تفاوت بودن نسبت به این مسائل: گروهی از مربیان به این امر توجهی نداشته و بر این اعتقادند که به هر حال این بچه‌ها بزرگ می‌شوند و خود به خود، این مسأله هم حل می‌شود. البته از دیدگاه اسلام این بی‌تفاوتی، گناهی بسیار بزرگ و این روش محکوم و مطرود است.



راه دوم: روش برخورد تند و تنبیه کردن فرد مبتلا، کم کردن از نمره انضباط، کتک زدن، شورا تشکیل دادن، اخراج کردن از کلاس و مدرسه به صورت موقت یا دائم. این روش نیز از دیدگاه اسلام و عقل سلیم راهی درست به نظر نمی‌رسد و عوارضی را در بردارد از جمله:

(الف) ما را به هدف، که همان تربیت و اصلاح کودک است نمی‌رساند.

(ب) شخصیت شاگرد (نوجوان) را در جامعه کوبیده و از او یک منحرف و جانی می‌سازد.

(ج) قبح این عمل در نظر فرد از بین رفته و او را نسبت به انجام این عمل جری‌تر کرده و شرم و حیایی هم اگر نسبت به این عمل در او بوده از بین می‌رود.

(د) اخراج از مدرسه نیز دردی را دوا نمی‌کند و حتی او این مفسده را در مدرسه دیگری رواج می‌دهد.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «موعظه‌های دیگران در جهت رفع انحرافات جنبه سازندگی ندارد بلکه موعظه‌های درونی فرد باید او را اصلاح نماید.» خلاصه اینکه تنبیه یک حالت بیرونی است و جبری، و نمی‌تواند از راه درون که راه حل هدایت است، فرد را هدایت نماید. معمولاً این روش را معلمان و مربیان ناآگاه نسبت به مسائل جنسی نوجوانان به کار برده و باعث تشدید این مطلب می‌شوند.

راه سوم: روش درست این است که ما با آگاهی کامل نسبت به عواملی که در ایجاد بلوغ زودرس جنسی و فشارهای ناشی از آن نقش دارد و با عنایت به این موضوع که این دانش آموز به هر حال «یک انسان» است و ناخواسته دچار این طوفان خطرناک شهوات شده وارد عمل شویم و تمامی روشهایی که به کار می‌بریم در راستای هدف مقدسمان باشد که همان تربیت و نجات یک انسان بی‌گناه و یک عضو سازنده آینده اجتماع است. قبل از هر اقدامی، باید بدانیم اولاً این غریزه در نوجوان بسیار قوی است، ثانیاً او این گناه و جرم را در اثر عناد و دشمنی با فرد خاصی مرتکب نشده، بلکه بر اساس احساس نیاز دست به این کار زده است (در ناآگاهی این عمل را مرتکب شده)، و ثالثاً این نوجوان فعلاً در آتشی می‌سوزد که دیگران (والدین، جامعه و...) از قبل، هیزمش را فراهم کرده‌اند و خودش چندان مقصر نیست. برای شروع کار لازم است که:



الف) شخصیت این فرد را تقویت کرده، روح و اراده‌اش را تقویت نمایم و به او روحیه بدهیم. امام علی (ع) می‌فرمایند: من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته «هر کس که نفس او گرامی باشد شهوتهایش در نزد او سست می‌شود». جوانی را که دچار احساسات شهوانی شده با دلیل و عقل (در مرحله اول) نمی‌توان او را بازداشت، باید از راه تقویت شخصیت او اینکار را کرد.

ب) در اصلاح فرد، اساس کار را بایستی بر محور «استتار» گذاشت، یعنی اگر مربی خودش صحنه جرم را دیده نباید این مطلب به فرد سوم هم برسد - حتی پدر و مادر فرد. علاوه بر این مربی باید طوری عمل نماید که خود مجرم هم نسبت به اینکه «مربی از جرم او آگاه است اصلاً بویی نبرد که در هر دو حال (اینکه دیگران بفهمند یا فرد مجرم متوجه شود که مربی می‌داند)، تمام زحمات و تلاشهای مربی برباد خواهد رفت و قبح و زشتی این عمل در نزد مجرم تمام خواهد شد. این مطلب از اهم مسائل تربیتی است که در جریان کار، اصل استتار باید رعایت شود وگرنه نتیجه معکوس خواهد داد.

ج) برای شخصیت دادن به دانش‌آموز، لازم است که مربی اعتماد فرد را نسبت به خود جلب نماید و طوری عمل نماید که دانش‌آموز او را به عنوان فردی دلسوز و محرم اسرار خود بشناسد.



د) در اصلاح فرد نسبت به مسائل جنسی و انحرافی هرگز نباید عجله کرد و شاید حل یک مسأله در فرد نیاز به چند سال تلاش داشته باشد.

ه) مربی طرح دوستی با دانش‌آموز مجرم ریخته و در مدرسه و کوچه و بازار با او گرم بگیرد و برای حل مشکل در اولین وهله، اصل مشکل را طرح نکند چرا که باعث تحریک حس کنجکاوی دانش‌آموز می‌شود و در نهایت در می‌یابد که مربی، جرم او را می‌داند. (و) برای حل مشکل باید با یک ابتکار از طریق طرحی دیگر مثلاً دعوت او به دفتر و بررسی پرونده و نمرات درسی او و دادن راهنمایی جهت بهتر شدن نمراتش، به صورت ضمنی مسأله اصلی را در فرد پیگیری نماید.

اگر این روال در مدت برنامه‌ریزی شده و با ابتکارات مربی انجام گیرد ۹۵٪ موفقیت‌آمیز است. مشروط بر اینکه مربی اولاً نسبت به مسائل آگاهی کامل داشته باشد و ثانیاً، در هدایت اینگونه افراد نباید آنها را رها کرد هرچند که معالجه چند سال به طول

بینجامد و نیاز به حوصله و بردباری مربی داشته باشد. اما در مورد کسانی که در اینگونه جرایم مورد تجاوز قرار می‌گیرند، باید دقت کرد که این افراد در اثر غریزه جنسی به چنین اعمال تن در نمی‌دهند. باید با او دوست شد و مسأله را ریشه‌یابی کرد. عواملی که باعث می‌شوند تا بعضی از افراد به چنین کارهایی تن در دهند زیادند که در اینجا به طرح سه عامل بسنده می‌کنیم:

۱- فقر اقتصادی و نیاز به پول: کودک و نوجوان در دوران تحصیل خصوصاً در دوران راهنمایی تحصیلی که بیشترین حدود سنی بلوغ زودرس جنسی است نیاز به پول توجیبی و توجه پدر و مادر در زمینه ابزار و لوازم درسی دارند. که عموماً والدین در اثر ناآگاهی بر این مطلب اهمیتی قائل نبوده و نوجوان نیز به خاطر نیازی که به این پول دارد در دام افرادی قرار می‌گیرد و به خاطر مقداری پول تن به انحراف می‌دهد.

۲- کمبود یا عدم محبت به کودک: نوجوان نیاز شدید به یک تکیه‌گاه مطمئن و دلسوز دارد و این تکیه‌گاه جز پدر و مادر نمی‌تواند باشد اما گاهی اوقات به دلیل کثرت فرزندان، مشغله زیاد پدر و مادر و یا ... کودک یا نوجوان در خانه مورد محبت قرار نمی‌گیرد و آن آرامشی که برای روحیه‌اش لازم است فراهم نمی‌شود. محیط خانه به جای اینکه پناه و امیدش باشد برایش به صورت یک زندان می‌شود، و نیاز اصلی او که همان محبت و توجه والدین است اشیاع نمی‌گردد و این احساس نیاز او را به سوی دوستان می‌کشاند و چه بسا افرادی سودجو و نوجوانانی منحرف با او طرح دوستی ریخته و با بذل محبت‌های ساختگی او را به انحراف بکشانند.

۳- افراط در محبت: اصولاً در مسائل تربیتی خصوصاً در به کار بردن روشهایی چون تشویق و تنبیه و ... بایستی اعتدال و میانه‌روی را رعایت کرد و از افراط و تفریط پرهیز نمود که هر دو خطراتی را در بردارند. محبت زیاده از حد در محیط خانه به نوجوان باعث می‌شود که فردی حساس و زودرنج بار آید و در نهایت او را عاشق و وابسته به محبت کند در نتیجه هر فرد دیگری غیر از پدر و مادر هم به او اظهار محبت کرد تسلیم شود و به انحراف تن در دهد.

تذکر: با توجه به راه‌هایی که برای حل مشکل مطرح شد، باید دقت کرد که اگر جامعه بیش از حد به این پدیده آلوده شود معالجه و درمان این اطفال و نوجوانان معصوم بسیار



دشوار است. در نظر کلی، بایستی اساس را بر پیشگیری گذاشت یعنی سعی کنیم با افزایش آگاهی و دانش خانواده‌ها نسبت به مسائل جنسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای این کار، با این مسأله به صورت ریشه‌ای برخورد گردد و ما حداقل نسلهای آینده را درست پرورش دهیم. به بیان دیگر، باید ۹۰٪ از این مشکلات از راه پیشگیری حل شود و ۱۰٪ احتمالی از طریق روشهای درمانی.

برای اصلاح و بازسازی کودکان، نوجوانان، روشهای زیر می‌تواند مورد توجه و عنایت مربیان قرار گیرد:

۱- شناخت کودک: اولین گام در بازسازی کودک از هر بعد شناخت ابعاد وجودی او و نیازهای اوست.

۲- جلوگیری‌ها: که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم کودک را از به پرداختن به اینگونه مسائل باز داریم.

۳- سرگرم کردن‌ها: با ایجاد سرگرمیها و بازی‌های سالم فرصت پرداختن به امور دیگر را به او ندهیم.

۴- جدا کردن از معاشران: اگر دریافتیم که در انحرافات و مسائلی که برای کودک ایجاد شده معاشران و دوستانش، نقش داشته‌اند او را از معاشرت با آنها برحذر نماییم.

۵- ملایمت و پند: با محبت کردن و پند دادنهای به جا او را از ارتکاب چنین اعمالی باز داریم.

۶- مبارزه منفی: یعنی بی تفاوت بودن در برابر فعل کودک که در مورد اصلاح شرارت شاید مناسب باشد، ولی در مورد انحراف جنسی، خیر.

۷- درمان: که به بعضی روشهای آن اشاره نمودیم.

۸- طرق دیگر چون نشان دادن عواقب امور به فرد، تهدید و تنبیه، ارائه الگوهای درست، بیان داستانهای عبرت‌انگیز در این زمینه و... و مهمتر از همه راهها برای چنین افرادی ارائه تربیت صحیح و جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی است^(۱).



فهرست منابع

- ۱- امینی، ابراهیم، (۱۳۵۹)، آیین تربیت، تهران: اسلامی
- ۲- پوشارلو، ژاک، (۱۳۷۱)، کودکان دژمنش، (محمدرضا شجاع رضوی: مترجم)، تهران: آستان قدس رضوی.
- ۳- خلیلیان، سیدخلیل، (۱۳۶۰)، با دنیای کودکان آشنا شویم، تهران: آفاق
- ۴- سمینار مدیران و مربیان تربیتی استان یزد، آبانماه ۱۳۶۳، برداشتهایی از سخنرانی آیت... ابراهیم امینی.
- ۵- سیف نراقی، مریم و نادری، عزت الله، (۱۳۷۳)، اختلالات رفتاری کودکان و روشهای ترمیم آن، تهران: بدر
- ۶- قائمی، علی، (۱۳۷۲)، تربیت و بازسازی کودکان، تهران: دانش اسلامی
- ۷- قائمی، علی، (۱۳۷۲)، خانواده و دشواریهای رفتاری در کودکان، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- منصور، محمود، (۱۳۵۶)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران: تابش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی